گزارش خبری

ریشه اصلی ترافیک پایتخت

شرق: سال‌هاست که یابیز دیگر پاداُور بکربریان و شهری زرد و نارنجی با نم‌نم باران و حال و هوای شاعرانه شیست. پاییز تهران را با ترافیک‌های سنگین و چندساعته به یاد می‌آوریم. همزمان با آغاز سفرهای آموزشی، ترافیک معابر پایتخت سنگین‌تر از همیشه می‌شود؛ ترافیکی که قرار بود کمرش با توسعه و تقویت ناوگان حمل‌ونقل عمومی شکسته شود. اما ساعت‌های طولانی انتظار برای رسیدن به مقصد کمر شهروندان تهرانی و سایر کلان‌شهرها را شکسته است. مرکز پژوهش‌های مجلس به‌تازگی گزارشی از چالش‌های ترافیک شهری تهیه کرده است. در گزارش تأکید شده که ازدحام ترافیکی یک معضل چندبعدی است که تعداد زیادی از ذی‌نفعان با اهداف متفاوت در شکل‌گیری آن دخیل هستند؛ بنابراین برای یافتن راه‌حل‌های رفع این معضل به تصویر جامعی از عوامل اصلی اثرگذار بر آن نیاز است. بررسی‌ها نشان می‌دهد مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ازدحام ترافیکی، افزایش خودروهمحوری، کاهش سطح خدمات حمل‌ونقل عمومی، ناهماهنگی بین دستگاهی، افزایش تقاضای سفر، عدم رعایت مقررات و انضباط ترافیکی و ناکارآمدی مدیریتی است. بررسی‌های این پژوهش نشان داد می‌توان سه کژکاری شامل «غالب‌بودن رویکرد اجرای پروژه‌های نمادین با منافع مقطعی»، «وجود تعارض منافع» و «فقدان اراده کافی مدیران» را به‌عنوان علل ناکارآمدی مدیریتی در حمل‌ونقل شهری در نظر گرفت.

ناکارآمدی مدیریتی را یک سو مستقیم روی اعمال سیاست‌های مدیریت تقاضای سفر و به تبع آن روی تولید و جذب سفر اثر می‌گذارد و از سوی دیگر با یک واسطه ابتدا روی معماری شهر (تراکم و...) و در ادامه روی تولید و جذب سفر مؤثر است. این عامل همچنین روی بهینگی شبکه معابر و بر پی آن روی سطح سرویس شبکه معابر مؤثر خواهد بود. در ادامه این پژوهش آمده است: عامل کیفیت فرایند اخذ تصمیمات روی تقاضای سفر و همچنین عرضه زیرساخت‌های حمل‌ونقل به صورت اساسی و ریشه‌ای اثرگذار است؛ بنابراین می‌توان عامل ناکارآمدی مدیریتی را به عنوان نقطه اصلی و اهرمی مداخله در ایجاد معضل ازدحام ترافیک معرفی کرد. بررسی‌ها نشان داد می‌توان ریشه‌های ناکارآمدی مدیریتی را در سه کژکاری شامل «غالب‌بودن رویکرد اجرای پروژه‌های نمادین با منافع مقطعی»، «وجود تعارض منافع» و «فقدان اراده کافی مدیران در مدیریت حمل‌ونقل شهری» جست‌وجو کرد.

در این مطالعات تأکید شده غالب‌بودن رویکرد اجرای ابرپروژه‌های نمادین با منافع مقطعی به دلیل کارکردهای تبلیغاتی برای مدیران شهری جذابیت بالایی دارد. با وجود این نمایش‌گردن چنین رویکردی که مستلزم صرف هزینه‌های کزاف است و در اغلب موارد به حل معضل ازدحام ترافیکی کمکی نکرده و در میان‌مدت می‌تواند از طریق تشدید خودروهمحوری با افزایش تقاضای سفر و عدم عنایت اعتبارات به سمت توسعه حمل‌ونقل عمومی به طور خاص برای ابرپروژه‌های بزرگ‌اخی، موجب وخیم‌ترشدن وضعیت ازدحام ترافیکی در شهرها نیز شود. در ادامه پاداوری شده گردش مالی بالای اجرای برخی پروژه‌های عمرانی حمل‌ونقل و تأثیری که ایجاد زیرساخت‌های حمل‌ونقل بر ارزش زمین می‌گذارد، زمینه تعارض منافع و فساد را شکل می‌دهد و موجب تصمیم‌سازی غلط برخی از پیمانکاران و مشاوران برای مدیران شهری می‌شود که با اولویت‌بندی طرح‌ها و پروژه‌های حمل‌ونقل می‌شود.

در این مطالعات اشاره شده حل معضل ازدحام ترافیک شهری نیازمند اخذ تصمیماتی است که عمدتا نه‌تنها زمان اجرای طولانی دارند، بلکه پس از اجرا نیز نتایج و آثار آن به مرور زمان و در بلندمدت آشکار می‌شود. برای مثال تصمیم بر مدیریت فروش تراکم ساختمان با توجه به الزامات ترافیکی، اگرچه یک تصمیم با منافع بلندمدت برای ترافیک شهر است و نتایج عینی آن در کوتاه‌مدت قابل مشاهده نیست؛ اما شهرداری را بلافاصله از عواید مالی فروش تراکم محروم می‌کند. زمان‌بردن اجرای این راه‌حل‌های اساسی در کنار کوتاه‌بودن دوره‌های مدیریتی ناشی از فضاهای سیاسی منجر به کاهش انگیزه مدیران شهری حوزه حمل‌ونقل برای اولویت‌گذاری و اجرای گامها و اصولی این راهکارها می‌شود.

در بخش دیگری از این پژوهش آمده است که غلبه رویکرد خودروهمحوری در مدیریت ترافیک در یک دهه اخیر، سبب شده به‌تدریج مطلوبیت سیستم‌های حمل‌ونقل عمومی در شهرها کاهش یافته و جذابیت استفاده از خودروی سواری شخصی افزایش پیدا کند. شهرها در سناریو‌های تعریف پروژه‌های زیرساختی برنگرفته‌اند به‌گونه‌ای اصلاح شود که نقش نظارتی و تخصصی شورای شهر و دولت در این فرایند تقویت شود. در این راستا، ضروری است آسیب‌شناسی جدی نسبت به فرایند تأمین مالی و انجام مطالعات جامع طرح حمل‌ونقل شهرها به عنوان مرجع تعیین پروژه‌های برنگرمقیاس دارای اولویت اجرا صورت گیرد. همچنین توصیه شده نقش نظارتی شهرداری‌ها در سیاست‌گذاری کلان حمل‌ونقل شهرها کمتر شده و نقش دولت و شورای شهر تقویت شود.

گفت‌وگو با احمد مسجدجامعی درباره ۱۴ مهرماه، روز تهران

روزی برای «تهران»

نورا حسینی: ۱۴ مهرماه روز تهران است. هشت سال پیش در دوره چهارم مدیریت شهری، طرحی به‌عنوان روز تهران به شورا پیشنهاد شد. هدف از تعیین این روز آن بود که تهران بیشتر معرفی شود و امکاناتش که غریب مانده بود، بیش از قبل شناسایی شود. همان زمان عده‌ای پیشنهاد می‌دهند روزی که تهران به‌عنوان پایتخت قاجاریان انتخاب شد، به‌عنوان روز تهران در نظر گرفته شود؛ «آقامحمدخان ۱۱ جمادی‌الاول سال ۱۲۰۰ قمری مصادف با ۲۲ اسفند سال ۱۱۶۴ تهران را به پایتختی برگزید. برخی منابع هم می‌گویند نوروز ۱۲۰۰ تهران پایتخت شد». آن‌زمان در شورای شهر تهران، ۲۲ اسفند تصویب نشد. دلیل آن هم احتمالا قرابت و نزدیکی به نوروز بود. در نهایت بر اساس مصوبه شورای شهر تهران روز تهران ۱۴ مهرماه انتخاب شد. ۱۴ مهرماه، همان روزی است که متمم قانون اساسی مشروطه به تصویب رسید. در آنجا برای اولین‌بار تهران به‌عنوان پایتخت در قانون آمد و تصویب شد. با احمد مسجدجامعی عضو و رئیس پیشین شورای شهر تهران و وزیر پیشین فرهنگ و ارشاد در دولت سیدمحمد خاتمی درخصوص اینکه چطور ۱۴ مهر روز تهران شد، گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

چطور شد به این نتیجه رسیدید که یک روز را به نام روز تهران نام‌گذاری کنید؟

سابقه نام‌گذاری روزهای خاص در شورای فرهنگ عمومی طولانی است. من یک دهه در آن شورا مسئولیت داشتم و بسیاری از این روزها را در آن ایام شناسایی، بررسی و نام‌گذاری کردیم؛ مثل روز حافظ، روز سعدی، روز کتاب و کتاب‌خوانی، روز پژوهش و... که بعدها به دلیل گستردگی برنامه‌ها به هفته‌های کتاب‌خوانی و پژوهش انجامید که روزهای ملی بود.

روز حافظ، این‌طور نیست که فقط ویژه شیراز باشد یا روز فردوسی روزی نیست که فقط در خراسان مورد توجه قرار بگیرد. بالطبع، این نام‌گذاری‌ها برای خود مقدمات و آیین‌نامه‌هایی داشت.

تعیین روزی به نام شهرها، سابقه‌ای در حوزه بین‌المللی دارد؛ شهرهایی در دنیا هستند که روزهایی را بنا بر موفقیت‌ها، مناسبت‌ها و رویدادها به اسم آن شهر نام‌گذاری کرده‌اند. جشنواره‌های سینمایی و هنری هم هست که به اسمِ یک شهر است و این طنین جهانی دارد؛ مانند جشنواره‌های کن، ونیز، بلونیا، قاهره و...

تهران نیز شهری چندصدساله است، آثار چندهزار ساله در آن یافت شده و پایتخت ایران است. با چنین سابقه‌ای تصمیم گرفتیم، روزی به نام آن بگذاریم. پیش از ما، شیراز هم این کار را کرده بود؛ روز نیمه اردیبهشت‌ماه. پیش‌ترها در شورای فرهنگ عمومی، اول اردیبهشت را به عنوان روز سعدی نام‌گذاری کرده بودیم و استاد ما به این شعر بود «اول اردیبهشت ماه جلالی/ بلبل گوینده بر منابر قضیلی».

با چنین سابقه‌ای برای تهران هم روزی را تعریف کردیم. این حدود ما یک دهه پیش برمی‌گشت. بحث‌های اولیه در این زمینه یک سال طول کشید و در شورای چهارم به نتیجه رسید.

چه پیشنهادهایی در این خصوص دریافت کردید؟

روزها و مناسبت‌های زیادی به ما پیشنهاد شد که در جلسه‌ای که از «روز تهران» دفاع کردم، به تک‌تک آنها پرداختم. در این بیش از یک سال، بسیاری از مناسبت‌ها با این رویکرد که تهران پایتخت ایران است، بررسی شد و آن را محور قرار دادیم؛ چون شاخصه‌ای بود که با شهرهای دیگر تفاوت ایجاد می‌کرد. تهران زمان شاه طهماسب صفوی حمارکشی شد و در زمان آقامحمدخان پایتخت شد. در آغاز، روزی را که تهران به عنوان پایتخت در نظر گرفته شد برای این کار انتخاب کردیم که آن زمان مصادف با ایام نوروز بود و از آنجا که نوروز خودش یک مناسبت ملی است، نمی‌تواند هیچ‌چیز دیگر در کنارش قرار بگیرد؛ چراکه نوروز، همه‌چیز را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. پیشنهاد اختصاص روز ورود امام(ره) به ایران به عنوان روز تهران را نیز بررسی کردیم و آنجا هم به این نتیجه رسیدیم که این روز، خود یک روز مستقل است و هیچ‌چیز نمی‌تواند در کنارش قرار بگیرد. در نهایت رسیدیم به روزی که در متمم قانون اساسی مشروطیت، تهران به عنوان پایتخت به تصویب رسید و آن را به عنوان «روز تهران» اعلام کردیم. اما به علت گستردگی شهر و تنوع برنامه‌ها و شرایط زیستی و محیطی به‌تدریج برنامه‌ها آن‌قدر زیاد شد که به هفته تهران رسیدیم.

در طول هفته تهران، هر روز را در اختیار یکی از کمیسیون‌های پنج‌گانه شورای شهر قرار می‌گرفت تا برنامه‌های روز تهران را مدیریت کند و با احتساب اینکه برخی از شهروندان هم هستند، هفته تهران را از شمیران آغاز می‌کردیم و پایان هفته هم به شهرری می‌رسیدیم.

در این کار، دستگاه‌های دیگر هم خیلی همکاری می‌کردند. تمبر تهران چاپ می‌شد، چهارشنبه‌های دیگر هم خیلی همکاری می‌کردند. هفته تهران را از شمیران آغاز می‌کردیم و پایان هفته هم به شهرری می‌رسیدیم.

سازمان زیباسازی برای تعمیر، مرمت، بازسازی، فضای سبز و آبرسانی و نور و کیفیوش و... آن بسیار عزیزانه کرد و بسیار نخستین فضای فرهنگی تهران بود که بسامان شد و دور تا دور آن هم موزه‌ها بودند.

قرار بود در آن هم به روی مردم تهران باز شود. ولی هنوز بسته است.

آنجا را بسته و رفت‌وآمد به آنجا را محدود کردند. در ساعات غیراداری که وقت فراغت و آمدوشد نداشتیم، درهای آنجا بسته است. اصلا معلوم نیست چرا این سوی و آن سوی این خیابان در دارد؟ ما خیلی برای کشایش آن به روی شهروندان یادداشت نوشتیم. در شورا تذکر دادیم. مکاتبه کردیم... اما وقتی آباد شد، تبدیلِ به حیاط و پارکینگ وزارت امور خارجه شد. امیدوارم خود آقای دکتر پزشکیان مشکل اینجا را حل و به تهران ایجاد را به روی شهروندان باز کند؛ چون این حق شهر و سرمایه مردم شهر است؛ یعنی سرمایه‌گذاری آن را شهرداری از پول مردم شهر انجام داد اما وقتی آباد شد، آنجا را بستند و به دست وزارت خارجه.

نمی‌دانم چرا آن وقت‌ها که این کارها انجام نشده بود، به لحاظ امنیتی مشکلی نداشت. سردر باغ ملی یکی از جاذبه‌های شهر تهران است و دور تا دورش هم موزه است. حتی بحثش بود که ساختمان وزارت امور خارجه هم به موزه دیپلماسی تبدیل شود.

این طرحی بود که ما در دولت آقای خاتمی مطرح معماری ایران می‌گوید باغ اعتضادی مؤسسه مطالعات تهران بعد از این توضیحات قانع شدند و خان اول تعیین روز تهران گذشت. مخالفان این بار پرسش دیگری مطرح کردند: «اگر روز تهران تعیین کنیم، ساکنان باقی شهرها هم روز می‌خواهند؛ مثلا روز شیراز و روز تبریز». آن زمان می‌گفتند مملکت همواره به تهران نگاه می‌کند و این تعیین روز باعث می‌شود تا باقی شهرها هم مدعی تعیین روز شوند».

قهاری و باقی موافقان، پاسخ یکسانی به این پرسش داشتند: «هر شهری دوست دارد برای خودش هویتی قائل شود و اینکه همه شهرهای ایران صاحب روز شوند، اشکالی ندارد». مخالفان در نهایت پذیرفتند که تهران صاحب روز شود. اما چه روزی باید به‌عنوان روز تهران تعیین می‌شد؟ یکی از اعضای مؤسسه مطالعات تهران آن زمان سراغ جست‌وجو میان اساطیر می‌رود و هفته اول آبان‌ماه را به‌عنوان هفته‌ای که می‌توان در آن به تهران ارج نهاد، انتخاب می‌کند. به گفته این پیشکسوت معماری از سال ۹۲ به بعد، هفته تهران در ماه آبان به صورت غیررسمی جشن گرفته شد. به گفته او در سال ۱۳۹۵ شورای شهر وقت تهران به فکر رسمی‌کردن این مناسبت افتاد و بعد از مذاکراتی که انجام داد، ۱۴ مهرماه را به‌عنوان روز تهران انتخاب کرد.

مهرشاد کاظمی که زمانی رئیس ستاد گردشگری شهرداری تهران بود، در ادامه این نسبت را از تاریخ به روز تهران نگاه کرد: «در شورای چهارم در سال ۹۵، آقای مسجدجامعی طرحی را به‌عنوان روز تهران در شورا پیشنهاد داده. او می‌گوید که آن زمان در شورای چهارم درباره اینکه چه روزی باید به‌عنوان روز تهران باشد، اختلاف افتاده بود: «رویدادهای تهران شده، آن‌زمان در شورای شهر تهران، ۲۲ اسفند تصویب نشد. دلیل آن هم احتمالا قرابت و نزدیکی به نوروز بود. در نهایت بر اساس مصوبه شورای شهر تهران روز تهران ۱۴ مهرماه انتخاب شد. ۱۴ مهرماه، همان روزی است که متمم قانون اساسی مشروطه به تصویب رسید. در آنجا برای اولین‌بار تهران به‌عنوان پایتخت در قانون آمد و تصویب شد. با احمد مسجدجامعی عضو و رئیس پیشین شورای شهر تهران و وزیر پیشین فرهنگ و ارشاد در دولت سیدمحمد خاتمی درخصوص اینکه چطور ۱۴ مهر روز تهران شد، گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

به نظر می‌رسد نام‌گذاری روز تهران، یک اتفاق تشریفاتی نبود و توجه برانگیز و فرهنگ‌ساز هم شد...

«روز تهران» بیشتر از هر چیز، سبب‌ساز رونق برای فهم بهتر جمع و جان پایتخت شد. تهران فقط کالبد یعنی خانه‌ها، برج‌ها، پل‌ها و خیابان‌هایش نیست؛ تهران روح دارد و روز تهران جان تهران را جلوه‌ای دیگر بخشید و نگاه به تهران را عوض کرد. مثلا در همان روز تهران بحث داستان خیابان هم مطرح شد. روایت تهران هم مطرح شد. اصلا روایت تهران یک جریان جدی است. سینمای تهران هم مطرح شد. حتی در وجه کالبدی‌اش که داود قهردار کتاب «سینماهای تهران» را منتشر کرد که کار خوبی است. ما در تهران‌گردی‌ها هم به این مراکز سر می‌زدیم. «دانش‌نامه تهران» که مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی آن را در دست دارد. از همین ایده‌های خوب است که از این گفت‌وگوها جوشید و سر برآورد که جایزه کتاب سال را هم گرفت. ما در روز تهران معمولا به آنجا سری می‌زدیم و با آقای کاظم موسوی‌بجنوردی و پدیدآورندگان این آثار دیدار می‌کردیم. اینها بار معنوی و معنایی تهران را خیلی افزایش داد.

یکی از جاهایی که روز تهران در آن برنامه اجرا می‌شد، محوطه میدان مشق سابق و سردر باغ ملی کنونی بود که در تهران خاطرات زیادی با آن همراه است. ازجمله فرود نخستین هواپیما در آن. اولین سیرکی به برای تهران‌گردی به آنجا رفتیم. رونق چندانی نداشت و توجهی به این سرمایه بزرگ شهری نمی‌شد. اما در روز تهران دست‌کم سه تا از شهرداری‌های تهران به آنجا آمدند و اولین و دومین و بعدها چندمین (پنجمین و ششمین) روز تهران در همین محوطه اجرا شد.

سازمان زیباسازی برای تعمیر، مرمت، بازسازی، فضای سبز و آبرسانی و نور و کیفیوش و... آن بسیار عزیزانه کرد و بسیار نخستین فضای فرهنگی تهران بود که بسامان شد و دور تا دور آن هم موزه‌ها بودند.

قرار بود در آن هم به روی مردم تهران باز شود. ولی هنوز بسته است.

آنجا را بسته و رفت‌وآمد به آنجا را محدود کردند. در ساعات غیراداری که وقت فراغت و آمدوشد نداشتیم، درهای آنجا بسته است. اصلا معلوم نیست چرا این سوی و آن سوی این خیابان در دارد؟ ما خیلی برای کشایش آن به روی شهروندان یادداشت نوشتیم. در شورا تذکر دادیم. مکاتبه کردیم... اما وقتی آباد شد، تبدیلِ به حیاط و پارکینگ وزارت امور خارجه شد. امیدوارم خود آقای دکتر پزشکیان مشکل اینجا را حل و به تهران ایجاد را به روی شهروندان باز کند؛ چون این حق شهر و سرمایه مردم شهر است؛ یعنی سرمایه‌گذاری آن را شهرداری از پول مردم شهر انجام داد اما وقتی آباد شد، آنجا را بستند و به دست وزارت خارجه.

نمی‌دانم چرا آن وقت‌ها که این کارها انجام نشده بود، به لحاظ امنیتی مشکلی نداشت. سردر باغ ملی یکی از جاذبه‌های شهر تهران است و دور تا دورش هم موزه است. حتی بحثش بود که ساختمان وزارت امور خارجه هم به موزه دیپلماسی تبدیل شود.

این طرحی بود که ما در دولت آقای خاتمی مطرح کردیم. هرچند در مدت‌مدت که ۱۴ مهرماه را روز تهران نام‌گذاری کرده‌اند. هرچند در تقویم این روز ثبت نشده. اما شورای چهارم شهر تهران در ۱۲ مرداد سال ۹۵ تصویب کردند که ۱۴ مهرماه به نام روز تهران نام‌گذاری شود.

اعضای شورای ششم شهر تهران هم در مهر سال گذشته طرحی را مصوب کردند که بر اساس آن «روز تهران» به‌عنوان «روز پایتخت ایران اسلامی» پس از موافقت شورای فرهنگ عمومی کشور در تقویم ملی کشور قرار می‌گیرد.

اما ۲۹ خرداد امسال شورای فرهنگ عمومی استان تهران این روز را به ۱۲ بهمن تغییر داد. رئیس شورای فرهنگ عمومی از انتخاب ۱۲ بهمن «روز تهران» خبرداد و گفت: تأثیر ۱۲ بهمن بر پیروزی انقلاب اسلامی بر کسی پوشیده نیست و این روز در ایران و جهان شناخته‌شده و مهم است.

محمدحسن ابوترابی‌فرد در شورای فرهنگ عمومی استان تهران با اشاره به نام‌گذاری روزی به نام «تهران» در تقویم توضیح داده است: باید روزی این موضوع نام‌گذاری می‌شد که در سرنوشت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تهران و کشور تعیین‌کننده بود.

ابوترابی‌فرد به استقبال پرشور مردم از امام راحل در فرودگاه و ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ اشاره کرد و گفته آثار اجتماعی، فرهنگی و سیاسی روز ۱۲ بهمن نه‌فقط در تهران بلکه در سراسر جهان منعکس شده است و با فاصله از دیگر روزهای تقویم، می‌توان این روز را تأثیرگذار دانست. ۱۲ بهمن روز بر از اثر و پرشوری بود و وزن سیاسی سنگینی در ایران، منطقه و جهان دارد. با انتخاب ۱۲ بهمن به‌عنوان روز تهران دیگر نیازی نیست در آنجا از پیوستی قرار دهیم که جرا این روز انتخاب شده است؛ چراکه جایگاه ۱۲ بهمن برجسته و بزرگ است و ضمن احترام به دیگر روزها، بهترین روز برای نام‌گذاری به نام «روز تهران»، ۱۲ بهمن است.

این در حالی است که تعیین این روز به‌عنوان روز تهران منتقدان بسیاری دارد. به اعتقاد آنها اهمیت رویدادهای مهمی در این روز تهران را به حاشیه رفته‌اند. این بحث مفصل است. از ایده روز تهران خیلی استقبال شد و پس از آن بود که خیلی از شهرها به دنبال این رفتند که روزی را برای شهر خودشان انتخاب کنند یا این اتفاق هم افتاد. در آن کمیته نماینده مردم تبریز که آقای پزشکیان بود، در اختتامیه آمد. درواقع در افتتاحیه آن اجلاس آقای اله‌ام و در اختتامیه آقای پزشکیان حاضر شدند.

این سؤال را جواب ندادید که در این سال‌ها کدام شهردار بیشتر با «روز تهران» همراه بود و کدام شهردارها کمترین همراهی را داشتند؟ من هیشه خاطرم هست که زمان برخی شهرداری‌ها مقاومتی وجود داشت...

شهرداری‌ها بسته به نگاه‌شان، با روز تهران همراه بودند. بعضی‌ها واقعا هم با همین آدم‌ها کمی مشکل می‌دیدند و برایشان باغ و فضای عمومی، آب‌وهوا، پایداره‌ام و... چندان اهمیت نداشت و فقط باید درآمدهای شهرداری به قیمتی افزایش پیدا می‌کرد. درحالی‌که جنس بعضی از کارها، نرم‌افزاری است. ذوق و شوق و تعهد و دوست‌داشتنی می‌خواهد. یک بار اعضای شورایاری‌ها را به همین مناسبت جمع کردیم و گفتیم هر شورایاری باید شناسنامه درخت‌های کهن محله‌اش را بدهد. یک کار خیلی پرشور و پرنشاط انجام شد. اینها انگیزه می‌دهد که همه‌چیز را گرفتند و بعد از طریق شورای فضای سبز تعیین موقعیت شد. نوع و گونه درخت را شناسایی کردند و سی‌وسال آنها را مشخص کردند تا درختان کهن حریمی پیدا کنند. حال ممکن است برای گروهی از مدیران شهری اینها به نظر بیاید بکوبند ما یک برج ۳۰طبقه را مجوز می‌دهیم و در قبالش این‌قدر پول می‌گیریم و با آن کار خیر می‌کنیم. درحالی‌که آنها از رعایت حق شهر و حقوق شهروندان نیست.

در کوچه پیران عقل و محله ما، یک عمارت بسیار زیبا وجود داشت اما این خانه را خراب کردند! و به جای آن یک مجتمع برگ مسکونی ساختند که می‌توانست همان خانه قدیمی سرای محله باشد. به هر حال در این ساخت‌وسازها هم آن کسی که می‌سازد هم واسطه و هم شهرداری پول می‌برند، اما شهر و شهروندان زیان می‌بینند.

قصبه تهران در زمان شاه طهماسب صفوی دیوارکشی شد و دور تهران حصار کشیدند. ۱۱۲ برج و باروسا ساختند و در هر برج و باروبک سوره قرآن نهادند و شهر تهران متولد شد.

ما بخشی از این برج و باروها را شناسایی کردیم و من در دوره همه شهرداری‌ها این را مطرح کردم که این برج و باروها را حفظ کنید. جایش نزدیک میدان محمدیه است که در زمان محمدشاه پنجمین دروازه تهران را در آنجا ساختند و بعد شد میدان اعدام که امسال قرار بود به مناسبت روز مولوی تندیسی از وی را در آنجا نصب کنند کـه نمی‌دانم این را کار کردند یا نه. به‌هرحال این میدان در محل تقاطع دو خیابان خیام و مولوی است و چون دیگر میدان مولوی وجود نـدارد، می‌توان این اله را بر این میدان گذاشت. به هر حال وقتی در تهران‌گردی برای دیدن بخشـی از حصار طهمـاسبی در میانـه بازار در نزدیکی همین میدان رفتیم، گفتیم این حصار مهم اسـت. این دیوار بخشـی از حصار طهماسبی اسـت و می‌شود بررسـی کرد که این دیوار با چه مصالحی سـاخته شده و از چه جنسی سـاخته شده اسـت. دیوار بسیار مقاومی بوده به طوری که وقتـی آقامحمدخان تهران را محاصره می‌کند، از باروی شـهر نمی‌تواند عبور و شـهر را تصرف کند. آن موقع که بتن و سیمان نبـوده پس آن را با چه مصالحی سـاختند؟ ارتفاع دیـوار چقدر بوده؟ اندازه دیوار چقدر بوده؟ دیواری که باقی مانده خیلی قطور اسـت و دورتادورش هم مغازه است و آن مغازه‌ای که من اطلاع دارم، مالکان برخی از مغازه‌ها دیوار را می‌تراشاند و طول و عرض مغازه خود را زیاد می‌کنند و کسی به فکر حفظ این میراث نیسـت. این مطالعات ارزشمندی را می‌توانست به دنبال داشته باشد و هرکجای دنیا بود از آن حفاظت می‌کردند. وقتی دیوار برلین را خواستند خراب کننـد، من در آنجا بودم و از نزدیک دیدم که چقدر بحث و بررسـی و مقاله و یادداشـت از جهات مختلف درباره آن نوشـته شد. این دیوار هم این امکان را فراهـم می‌کرد ولی کاری نکردند یا مثلا در بـازار هم خیلی جایی را یافتیم که مالک برای بسـط مغازه‌ها از زیرزمین یا یک فضای قدیمی برخورد کرده بود. فضایی که قطعا تاریخی بود که احتمالا یک آهنگری بوده در دوره صفویه. من پیشـنهاد دادم که اینجا «موزه مغازه» بشـود. مالک هم قبول داشت که روی حفاری‌های انجام‌شده، یک شیشه و کفی شفاف زده شود تا دیده شود، خیلی هم تلاش کردیم ولی جایی نرسید و مالک روی آنها تن ریخت.

به هر حال شـهرداری‌ها در دوره‌هایی هم بـه فضاهای تاریخی، طبیعی، فرهنگی، فراغتی و... اهمیت دادند اما بهتر اسـت بیش از این وارد جزئیاتش نشویم...

آقای مسجدجامعی، از یک سالی، مراسمی برای گرامیداشت روز تهران برگزار می‌شد که مخاطبان زیادی هم داشت...

بله؛ درسـت اسـت. این هم بسـتگی به همان مناسـبات داشت. هرچه فضاهایی که می‌توان شـهری در بیرامون خود داشـتند، اجتماعی‌تر و فرهنگی‌تر بود، به جسـم و جان شهر و سنت‌های قدیم و جدید بیشتر توجه می‌شد. مثلا سـند حفظ مکان-رویدادهای انقلاب که درباره این سند مطالعاتی هم انجام شد، ولی جز در موارد معدود به جایی نرسید.

در برخی از سـال‌ها مراسم روز تهران با شکوه بیشتری برگزار می‌شد. مثلا از سـازمان فرهنگی-هنری شهرداری می‌آمدند یا از روابط‌عمومی شهرداری می‌آمدند. از دوره پنجم، سخنگوی شـورا می‌آمد. از کمیسیون‌ها می‌آمدند. مدیران دسـتگاه‌های دیگر هم می‌آمدند؛ مدیران ارشاد، مدیران پسـت، مدیران میـراث، مدیران تربیت‌بدنی، مدیران آموزش و پرورش، مدیران کانون پرورش فکـری کـودکان و نوجوانان و... هم حضور داشـتند. همان‌طور که گفتم یک بحـث فراتر از مدیریت شـهری به معنای خـاص آن بـود؛ حرکتی بود که شهرداری، مردم، دسـتگاه اجرائی، مراکز پژوهش و تحقیق و حتی صاحبان سـرمایه را به هم وصل می‌کرد. شرکای مهم آن این بود و هدف ما هم همین بود که بتوانیم فاصله‌ها را کم کنیم.

به نظر می‌آید زمان‌هایی بوده که تصمیم‌گیران برای شـهر تهران به‌گونه‌ای تصمیم‌گیری کرده‌اند اتفاقا تهران را دوسـت ندارنـد و خاطرات و رویاهای آن برایشـان بی‌اهمیت اسـت. به همین دلیل، خیلی راحت درخصوص نابودی تهران تصمیم‌گیری کرده‌اند.

درسـت اسـت. هرچند نابودی تهران تعبیر تندی اسـت، ولی رویاها و خاطرات شهر مهم هسـتند. در تهران‌گردی‌ها که می‌رفتیم، وقتی می‌گفتیم در این نقطه این قنات بوده و جـود داشـته، یا این حادثه تاریخی رخ داده اسـت یا این شـاه بزرگ یا چهره فرهنگی درباره این نقطه چنین حرفـی زده، مـردم علاقه‌مندتر می‌شـدند. اما خاطرات این نکاه‌ها در شـهر کمرنگ شده اسـت. سیاسـت خوب اول را می‌زند، پول، نه سرمایه حـرف دوم را و قـدرت حرف سـوم را! در بین میان خاطره و فرهنگ و جسـم و جان شهر به حاشیه رفته‌اند.

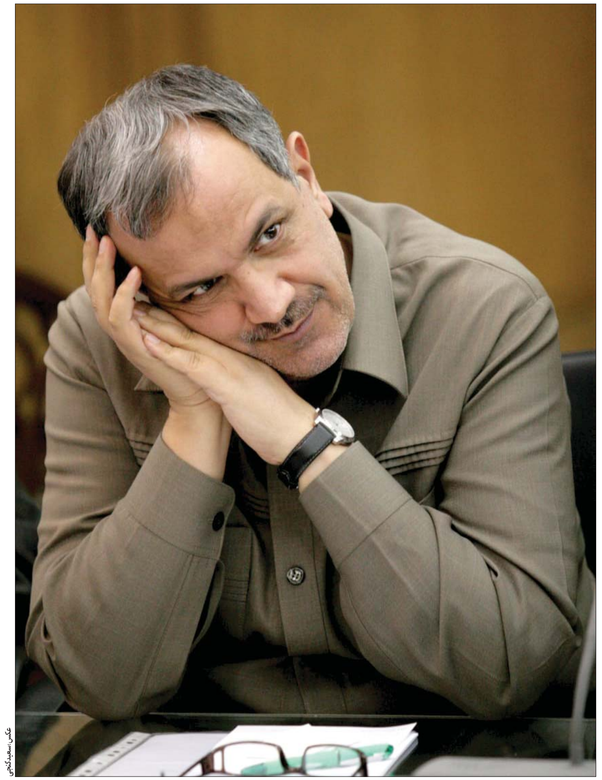
عکس: سعید کیخی

سهم شهرها از تقویم

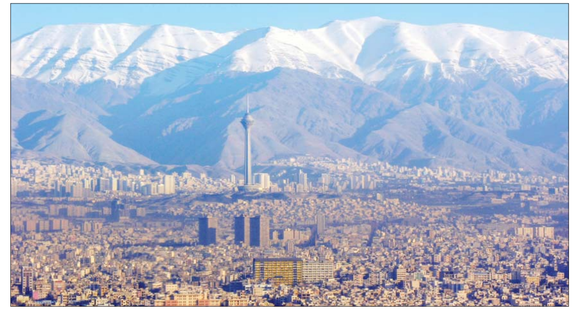

مدت‌هاست که ۱۴ مهرماه را روز تهران نام‌گذاری کرده‌اند. هرچند در تقویم این روز ثبت نشـده. اما شورای چهارم شهر تهران در ۱۲ مرداد سال ۹۵ تصویب کردند که ۱۴ مهرماه به نام روز تهران نام‌گذاری شود.

اعضای شورای ششم شهر تهران هم در مهر سال گذشته طرحی را مصوب کردند که بر اساس آن «روز تهران» به‌عنوان «روز پایتخت ایران اسلامی» پس از موافقت شورای فرهنگ عمومی کشور در تقویم ملی کشور قرار می‌گیرد.

اما ۲۹ خرداد امسـال شورای فرهنگ عمومی اسـتان تهران این روز را به ۱۲ بهمـن تغییر داد. رئیس شـورای فرهنـگ عمومی از انتخـاب ۱۲ بهمن «روز تهران» خبر داد و گفت: تأثیر ۱۲ بهمن بر پیروزی انقلاب اسلامی بر کسی پوشیده نیست و این روز در ایران و جهان شناخته‌شده و مهم است.

محمدحسـن ابوترابی‌فرد در شورای فرهنگ عمومی استان تهران با اشاره به نام‌گذاری روزی به نام «تهران» در تقویم توضیح داده اسـت: باید روزی این موضوع نام‌گذاری می‌شـد که در سرنوشـت سیاسـی، اجتماعی و فرهنگی تهران و کشور تعیین‌کننده بود.

ابوترابی‌فرد به اسـتقبال پرشور مردم از امام راحل در فرودگاه و ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ اشـاره کرد و گفته آثـار اجتماعی، فرهنگی و سیاسـی روز ۱۲ بهمن نه‌فقط در تهران بلکه در سراسر جهان منعکس شده است و با فاصله از دیگر روزهـای تقویم، می‌توان این روز را تأثیرگذار دانست. ۱۲ بهمن روز بر از اثر و پرشوری بود و وزن سیاسی سنگینی در ایران، منطقه و جهان دارد. با انتخاب ۱۲ بهمن به‌عنوان روز تهران دیگر نیازی نیسـت در آنجا از پیوستی قرار دهیم که جرا این روز انتخاب شده اسـت؛ چراکه جایگاه ۱۲ بهمن برجسته و بزرگ اسـت و ضمن احترام به دیگر روزها، بهترین روز برای نام‌گذاری به نام «روز تهران»، ۱۲ بهمن اسـت.

این در حالی اسـت که تعیین این روز به‌عنوان روز تهران منتقدان بسـیاری دارد. بـه اعتقاد آنها اهمیت رویدادهای مهمی در این روز تهران را به حاشـیه

زمانی سازمانی پیشنهاد داده بود در روز عاشورا هم خون آبدا کنند و این روز، روز آمدای خون نامیده شـود. اما عاشـورا، عاشورا است. درکنـار آن روزهای بزرگ مناسبت دیگری نمی‌توان تعریف کرد

شورای شهر نماد مردم تهران اسـت و خیلـی نمـاد دستگاه‌های اجرائی نیسـت. مـن آن روزها هم همیشـه می‌گفتم شـورا خـودش از مدیون دولت نکند

گزارش

روزی که هوا ایستاد

در روزهای ابتدایی مهر امسال ساعاتی کیفیت هوای پایتخت بنفش شـد. شـرکت کنترل کیفیت هوای تهـران اعلام کرد که شـاخص آلودگـی هوای تهران با میانگین عدد ۳۳۶ در وضعیت خطرناک قرار دارد و شـاخص آلودگی هوا در برخی از مناطق مرکزی و جنوب غربی تهران به عدد ۵۰۰ رسـیده و شهروندان باید از فعالیت‌های خارج از منزل خودداری کنند.

شینا انصاری، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، در کانال تلگرامی‌اش به این اتفاق اشـاره کرده و نوشته اسـت: عصر چهارشنبه چهارم مهرماه یکباره شـاخص کیفیت هوا در غرب شهر تهران و در ایستگاه‌های واقع در مناطق ۱۸، ۱۹، ۲۱ و ۲۲ افزایش چشمگیری پیدا کرد. به طوری که شاخص همه این ایسـتگاه‌ها در وضعیـت خطرناک (بالاتر از ۳۰۰) قرار داشـت. این افزایش شـاخص کیفیت هوا در سـاعات بعدی به مناطق میانی شهر گسـترش پیدا کرد، به طوری که در ساعت ۲۳ به حداکثر مقدار خود رسید و شاخص کیفیت هوای شهر را به ۳۵۱ (خطرناک) با آلاینده شاخص ذرات معلق کمتر از ۱۰ میکرون رساند.

انصاری ادامه داد: بر اسـاس بررسـی‌هایی که در سازمان حفاظت محیط زیست با استفاده از داده‌های سنجش زمینی و ماهواره‌ای انجام شد، دلیل اصلی این رخداد کردوغبار ناشـی از کانون‌هـای محلی اطراف تهران بود. توده کردوغباری از سـمت غرب به تهران وارد شـد و بـه مرور به مناطق مرکزی شهر رسـید. «تـالاب صالحیه» و منطقـه «مـلارد» از مهم‌ترین کانون‌های کردوغبار در غرب شـهر تهران هسـتند که در سال‌های اخیر نیز سابقه ایجاد توده‌های گردوغباری را داشته‌اند.

او اضافه کـرد: اقدامات برای مد